

بسمه تعالی

نهضت آزادی ایران

تأسیس ۱۳۴۰

بحران

تحلیلی پیرامون وخامت اوضاع کشور

ربنا آتنا من لدنک رحمه و هیئتی

لنا من امرنا رشد!'

در واپسین روزهای رمضان که ماه هدایت و برکت بود و در روزگاری که امواج خون و خرابی و فقر بر کشورمان هجوم آورده بود چه دعائی بهتر از آیه بالا می‌توانستیم به درگاه خدا بکنیم؟ امیدواریم به ما اجازه دهند و جرمی مزید بر جرمهایمان نگیرند که بگوییم: بارالها از لطف خودت به همه ملت ایران و به دست اندرکاران و متولیان، نه خشم و ضلالت، بلکه رحمت برسان.

خدایا رشد و رهائی را برای رسیدن به رستگاری خودمان و به رضای خودت برایمان آسان فرما. خدایا کمک فرما تا با نیت پاک و در سایه برکت و بصیرت، با دلی خالی از کینه و خصومت، موفق شویم برای نجات و پیروزی ایران و مظلومین جهان راهیابی و چاره اندیشی کنیم!

* * *

از آنجاکه لازمه اجابت دعا هم‌آهنگی خواهنده با خدا است و تا حرکت از اینطرف نباشد برکت از آن طرف ارزانی نخواهد گشت. سعی می‌کنیم در حد دانایی و توانایی خود و با توکل به خدا، به دنبال روشنی و راهگشایی برویم. به تجزیه و تحلیل اوضاع بحرانی کشورمان پرداخته با استمداد از واقعیات و اطلاعات موجود، حالات مختلف و محتمل نزدیک و دور را بررسی کرده قضاوت نهایی را به عهده هموطنان عزیز و متصدیان امور واگذار می‌نمائیم.

هدف ما در این نشریه این نیست که کسی را متهم و به کسی بدگوئی نمائیم. نه از آنچه کرده‌اند و می‌کنند انتقاد می‌نمائیم، نه تعیین تکلیف خواهیم کرد که جنگ را ادامه یا خاتمه دهند و نه به کسی خواهیم گفت که به جبهه برود یا نرود.

ما نه مانند ماتمزدگان ملت و مخالفین دولت مایوس و منصرف هستیم که از اقدام و اعتراض، یا لااقل اظهارنظر و گفتار، خودداری نمائیم و نه مانند دست‌اندرکاران و طرفداران دنباله‌رو و سرسپردگان به ولایت خود را معاف از توجه و مسئولیت می‌دانیم تا مبری از وظیفه نصیحت و دلالت، آنطور که قرآن و سنت تعیین کرده‌اند، باشیم.

ما در عین حق‌شناسی و احترام و حتی علاقه و دلسوزی برای دنیا و آخرت رهبری انقلاب، نه ایشان را معصوم معادل رسول و امام می‌گیریم که تشخیص و تصمیم‌هایشان خالی از بی‌خبری و خطا یا نعوذ بالله

1. کهف ۹- ای پروردگار ما از نزد خودت به ما رحمتی برسان و برایمان از کار خودمان راه رشد و هدایت را آسان فرما.

ناشی و مساوی امر خدا بوده احتیاج به تصحیح و تذکر نباشد و نه به عنوان یک مسلمان و یک ایرانی خود را در قبال دولت و دستگاه، مجاز به نادیده گرفتن نص قرآنی " ولاتقف ما لیس لک به علم^۱ " و تأکید نبوی " لاطاعه لمخلوق فی معصیه الخالق^۲ " می‌شناسیم. ما نمی‌توانیم و حق نداریم وقتی می‌بینیم مملکت و ملت یا انقلاب و نظام بر لبه پرتگاه وحشتناک آتش و فروپاشی قرار دارد دم فرو بسته پناه به کنج عافیت ببریم.

* * *

در آذرماه ۲۵ اردیبهشت ماه بهشت‌زهرها ما را تهدید کردند که اگر از صلح حرف بزنید زیر ماشینتان خواهیم کرد و اگر بگوئید شعار " جنگ جنگ تا پیروزی " شعار مارکسیستی است به شیوه مارکسیستی عمل نموده همه را به دریا خواهیم ریخت. البته حرف ما هیچگاه تقاضای صلح از صدام نبوده بلکه به تصمیم‌گیرندگان نصیحت می‌کردیم که خواهان پایان عادلانه و شرافتمندانه جنگ شوند و به پیشنهادهای معقول صلح توجه نمایند.

با آنکه همه می‌دانند نهضت آزادی ایران نه امکانات عملی و تجهیزات جنگی یا تشکیلات اداری دارد که ممانعت و مشکلاتی در راه بسیج و جبهه‌ها فراهم سازد و نه. صاحب روزنامه و تبلیغاتی در برابر دستگاه است که تحمیل و تسخیر افکار نماید و نه قدرت سحر و جادو دارد. معلوم نیست چرا اینقدر از منطق و اظهارنظرهای ما می‌ترسند و با تهمت و تهدید به دفع و طرد ما می‌پردازند؟

تنها توقع و تقاضایی که ما از دولت و ملت داریم توجه و تمکین به مژده الهی است که به بندگان گوش‌دهنده به سخنان و پذیرنده بهترین آنها داده است و چنین مردم را هدایت‌شدگان از جانب خود و دارندگان عقل و خرد دانسته است.^۳

تحقق این مژده خدائی درباره انقلاب و نظام و کشورمان و میل ملت و دولت به هدایت و همکاری، آرزوی همیشگی نهضت آزادی ایران بوده است.

ضمناً امیدواریم وقتی به بررسی و باز کردن قضایا برای روشن‌بینی و راهیابی پرداخته می‌شود تهمت همیشگی را تکرار نمایند که قصد ما حربه تبلیغاتی دادن به دست صدام است یا خواسته آمریکا و امپریالیسم را بازگو می‌نمائیم. علاوه بر آنکه انتقاد و ابراز نظر در همه کشورهای مترقی جهان در همه حال معمول و معقول بوده برای حسن اداره امور و جلوگیری از خطا و فساد مفید و ضروری است، جمهوری اسلامی ایران نیز تا به حال نه اعتنا و هراس چندان نسبت به تبلیغات و ترهات بیگانگان داشته از این لحاظ سیاست خود را عوض کرده است و نه در تصمیم‌های خود اهمیت به افکار و آراء ملت می‌دهد. وقتی پای سرنوشت یک ملت و انقلاب در میان باشد آیا می‌توان به ملاحظه اینکه انتقاد از خطا و خیانت‌ها حربه تبلیغاتی علیه دولت می‌شود از ارائه حق و حقیقت و جلوگیری از ظلم و هلاکت خودداری نمود؟

* * *

اینک با اجازه خوانندگان محترم اول به بررسی جهات مهم بحران و جریان‌های موجود پرداخته

^۱ - از آنچه بدان علم نداری دنباله‌روی مکن.

^۲ - در صورتی که اطاعت از مخلوق مستوجب معصیت خالق باشد اطاعت از مخلوق جائز نیست.

^۳ - زمر ۱۷- فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدیهم الله و اولئک هم اولوالالباب (پس به بندگان مژده بده که گوش به سخن می‌دهند و سپس از بهترین آنها پیروی می‌کنند. اینها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده است و خردمندان همانها هستند.)

می‌پرسیم "کجا هستیم و چگونه‌ایم". پس از آن به عقب برگشته مسئله "چرا چنین شده‌ایم" را مطرح می‌سازیم. آنگاه نظر به آینده انداخته سعی می‌کنیم جواب یا جواب‌های "چه خواهیم شد" را بدهیم. جواب‌های ما به صورت یک‌طرفه و قاطع مغرورانه نخواهد بود بلکه در برابر برنامه‌ها و راه‌هایی که پیش پای ملت گذارده‌اند حالتی را که ممکن است رخ دهد و احتمالات مختلف نزدیک و دور کشورمان را، بر مبنای مفروضات و معلومات و تجربیات، به خوانندگان عرضه خواهیم کرد تا هرکس با درایت و قضاوت خود اتخاذ نظر نماید.

ضمناً ما در این نشریه وارد جنبه‌های قرآنی و شرعی جنگ، که در نشریات گذشته به قدر کافی روی آنها بحث کرده و جواب درستی هم نشنیده‌ایم، نمی‌شویم. کاری نداریم که ادامه جنگ بعد از عقب‌نشینی نیروهای عراق و فتح خرمشهر، از نظر اسلام کار مجاز و ماثب بوده یا نبوده و چه می‌بایستی کرده باشیم. صرفاً از جنبه واقع‌بینی و چاره‌شناسی به بحث و بررسی می‌پردازیم.

کجا هستیم و چگونه‌ایم؟

الف) وضع اقتصادی کشور

نظر به اینکه بودجه دولت در هر کشور آئینه اوضاع اقتصادی و معیاری برای قضاوت می‌باشد تجزیه و تحلیل خود را از وضع جمهوری اسلامی در سه سال اخیر آغاز می‌کنیم. می‌دانیم که هر بودجه یک طرف درآمد دارد که دریافتی‌ها و عایدات سالیانه دولت را معلوم می‌کند و طرف دیگر هزینه‌های تعهدی دولت برای اداره کشور و اقدامات عمرانی و خدمات و بدهیها می‌باشد.

۱- بودجه

۱/۱- درآمدها

بر اساس جدول پیوست بودجه دولت در سالهای ۶۳ و ۶۴ کسر درآمدهائی نسبت به آنچه خواسته و پیش بینی شده بود نشان داده است که به ترتیب معادل ۲۱٪ و ۲۴٪ شده است و قابل ملاحظه و خارج از قاعده می‌باشد. پس کاهش عمدتاً ناشی از تقلیل درآمدهای نفتی در نتیجه تحولات تدریجی بازار جهانی نفت از سال ۱۹۸۱ بوده است.

اما بعد از تنزل ناگهانی قیمت نفت از ۲۷ دلار به ۱۲ دلار هر بشکه در اسفند ۱۳۶۴ میزان کسری درآمدهای دولت در سال ۶۵ احتمالاً به بیش از ۴۴٪ رقم بودجه مصوب خواهد رسید، بنابراین ناچار باید به میزان قابل ملاحظه‌ای از هزینه‌های ضروری و نیمه ضروری صرف‌نظر شود.

۱/۲- هزینه‌ها

در سالهای ۶۳ و ۶۴ دولت خود را ناگزیر دیده است در ایفای تعهدات و هزینه‌ها معادل ۱۳٪ و ۱۴٪ نسبت به آنچه در بودجه تشخیص داده بوده تقلیل قائل شود و این تقلیل و انصراف بیشتر دامنگیر هزینه‌های عمرانی کشور گردیده است.

در سالی که در پیش داریم کسر درآمدهای دولت در صورت عدم تنزل بیشتر بهای نفت و میزان صدور

آن، شاید بیش از ۶۴٪ مبالغ پیش‌بینی شده و ارقامی که ضروری می‌دانسته وعده آن را داده‌اند، گردد. وقتی دولت با چنان کاهش درآمد روبرو می‌شود، قبل از هر چیز اعتبارات عمرانی را تعطیل کرده از سرمایه‌گذاری که باید صرف نوسازی‌ها و تأسیسات و تعمیرات مملکت گردد صرف نظر می‌نمایند. مانند راهسازیها، بنادر، خانه‌سازی‌ها، کارخانجات، طرح‌های آبیاری و کشاورزی، توسعه برق و گاز و نفت، مدارس و غیره. بدیهی است که نتیجه این تصمیمات خوابیدن کارها و توقف فعالیت‌های مثبت و مفید می‌شود که نگاه‌دارنده مملکت است و رقم کوچکی نمی‌باشد. حال اگر قرار باشد در هزینه‌های جاری صرفه‌جویی به عملی نیامده اقلامی مانند حقوق و دستمزد، بهداشت و درمان و بیمه و همچنین کمک‌هائی که برای جلوگیری از گران شدن نان و مواد خواربار اولیه صورت می‌گیرد، به جای خود باقی بماند، نه تنها کلیه کارهای عمرانی تعطیل خواهد گشت بلکه قسمت مهمی از هزینه‌های جاری نیز، که جمع آنها بیش از نصف بودجه است، اجباراً متوقف خواهد گشت. آثار سوء اقتصادی و اجتماعی این امر، که از هم اکنون ظاهر شده است بیکاری، رکود، بی‌پولی، بی‌درمانی، صدمه دیدن ظرفیت‌های تولیدی و زیربنائی و مصائب و مشکلات زیادی خواهد بود که ناشی از وخامت و بحران شدید اقتصادی کشور است.

در مورد بودجه جنگ که مهمترین مسئله مملکت و انقلاب شده است، کاهش درآمدهای ریالی و ارزی دولت قهراً محدودیت‌های فراینده‌ای در آن به وجود آورده است که اثر مستقیم و مؤثر روی برنامه جنگی خواهد گذاشت. بر اساس اظهارنظر مسئولان جمهوری اسلامی حدود ۳۰ درصد کل بودجه ما مستقیماً به جنگ اختصاص دارد و با توجه به مشارکت ارگانهای مختلف در جنگ تناسب فوق ممکن است به حدود ۵۰ درصد بالغ گردد.

۱/۳- بودجه ارزی کشور

درآمدهای ارزی کشور در سالهای ۶۳ و ۶۴ نسبت به پیش‌بینی‌های اولیه به ترتیب تا ۲۰٪ و ۳۰٪ کمبود یا عدم تحقق پیدا کرده است. با توجه به شرایط جدید بازار جهانی نفت و به فرض آنکه ضربات و جریان‌هایی باعث توقف یا تنزل بیشتر میزان صدور نفتمان نشود و بهای نفت نیز ثابت بماند، این درآمدها در سال ۱۳۶۵ حداکثر به ۷/۵ میلیارد دلار بالغ خواهد شد که حدود ۶/۵ میلیارد آن از محل فروش نفت و بقیه از محل صادرات غیر نفتی و اصل و بهره وامها (جمعاً ۷/۵ میلیارد دلار) قابل پیش‌بینی است که نسبت به پیش‌بینی اولیه ۶۲/۵٪ کسری درآمد ارزی خواهیم داشت! و البته پیش‌بینی ۲۰ میلیارد ارز را در بودجه مصوب به ۱۵ میلیارد تقلیل دادند.

بدیهی است که ۷/۵ میلیارد دلار حداقل کسری درآمد ارزی کشور در سال ۶۵ عامل کم‌اهمیتی نبوده چون باعث خودداری یا جلوگیری از سفارش دادن کالاهای ضروری به خارج می‌گردد، آثار وخامت‌باری روی فعالیت‌های اقتصادی و جنگی ما خواهد گذاشت.

از هم اکنون بسیاری از کارخانجات خصوصی و دولتی شده و حتی دولتی که ارز لازم جهت سفارش مواد اولیه و قطعات یدکی در اختیارشان گذارده نمی‌شود ناچار به تعطیل گردیده یا در شرف تعطیل و مرخص کردن کارگران می‌باشند. بخش کشاورزی مواجه با کمبود یا فقدان مواد ضروری عمده از قبیل سم، کود، بذر و غیره است که باید از خارج وارد گردد و نرسیدن آنها سبب رکودهای خطرناک خواهد

گشت. در زمینه خواربار، دارو و کثیری از نیازهای زندگی، چون تولیدات داخلی ما قادر به تأمین کامل، حتی در مواردی نیمی از آنها نیستند از مزیقه ارزی صدمات جبران ناپذیری خواهیم خورد. مهمتر از همه تسلیحات نظامی و مهمات و نیازهای جنگی است که اقلام سنگین و حساس آن در داخله ساخته و فراهم نمی‌شود و احتیاج به ارز فراوان دارد.

* * *

به طور کلی وقتی درآمدهای دولت نتواند حتی جوابگوی هزینه‌های جاری و جنگی بشود، منابع و ذخائر اعتباری لازم برای امور عمرانی و تولید و توسعه نداشته باشیم و سرمایه‌گذاری‌ها روز به روز کمتر گردد قهراً افزایش تورم، گرانی، بیکاری و فقر جامعه را در بن‌بست عجیبی قرار خواهد داد. بدیهی است که با خوابیدن یا تخفیف یافتن تحرک و تولید کشور مختصر منابع داخلی در آمد بودجه و حتی امکان استخراج و صدور نفت نیز در معرض نقصان شدید قرار خواهد گرفت. به این ترتیب پیش‌بینی وضع بعدی بودجه و آینده کشور بسیار دشوار است. کی می‌داند که راه خلاصی یا درآمد دیگر و پی‌آمدهای وحشتناکی که در انتظار است چه خواهد بود!؟

ب) جنگ و جبهه‌ها

۱- وضع عمومی جنگ

مواضع نظامی خودمان و جریانهای جنگ را فهرست‌وار می‌توانیم چنین خلاصه نمائیم:

— بعد از عملیات والفجر ۸ شدت حملات و تلفات در مقایسه با سالهای گذشته افزایش سرسام‌آوری یافته است و در مقابل قدرت دفاعی و تهاجمی ارتش عراق نیز در اثر کمک‌ها و تجهیزات و تعلیماتی که دریافت می‌دارد نسبت به گذشته بیشتر شده پیشروی ما را که در فاو به حد اعلی رسیده بوده تا حدود زیادی متوقف ساخته حتی مبادرت به شکافتن و باز کردن جبهه‌های تازه با پس گرفتن و پس دادن قسمت‌های حساس نموده است. علاوه بر آن، هم حملات قاطعی که قرار بود از این طرف صورت بگیرد دچار اشکال و تأخیر گردیده است و هم ضربات وارده جسورانه‌تر و دقیق‌تر و متواتر صورت می‌گیرد.

— بمباران شهرها اگرچه تقلیل فاحش پیدا کرده تقریباً تعطیل شده است ولی جنگ خلیج فارس و تخریب تأسیسات نفتی و صنعتی و ارتباطی شدت یافته است.

— امکان تدارک اسلحه و تجهیزات از ناحیه ایران به دلیل تنزل عمده درآمد ارزی و تقلیل تولیدات صنعتی کمبود عمده پیدا کرده است.

— بسیج مردمی که از ابتدای جنگ مورد نظر و ندای رهبری انقلاب بوده امر به تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی داده بودند و مرتباً داوطلبانی به فرماندهی سپاه به جبهه‌ها رفته شهید می‌شدند یک باره در اواخر سال گذشته صورت قطعی‌تر و مصرانه‌تر به آن داده شده از زنها نیز خواستند که برای دفاع از انقلاب و مملکت آماده شوند و تعلیمات نظامی ببینند و به صنوف مختلف کشور تکلیف مشارکت جنگی یا مالی و جنسی شد.

اخیراً پس از تشدید حملات و ضربات عراق و تضعیف توان ارزی کشور، برای تأمین احتیاجات جنگی و اداری، از طرف رهبری انقلاب و در تبلیغات انحصاری دولتی، چنین تشخیص داده و تصمیم گرفته شد که تا دیر نشده است باید مبادرت به یک حمله همه جانبه سراسری و وارد آوردن ضربه نهائی به منظور ساقط کردن صدام و حزب بعث نموده جنگ را امسال علیرغم خواسته ابرقدرتها پایان پیروزمندانه بدهیم.

به این ترتیب دعوت، و بلکه امر، به شدیدترین اقدام دوران جنگ به عمل آمده کلیه سرمایه‌های ملی را که شامل نیروهای انسانی، اقتصادی، اداری، فنی و فرهنگی می‌شود بسیج عام اجباری کرده‌اند، می‌خواهند تفوق تسلیحاتی و نظامی و سیاسی حریف را با شور و شهادت رزمندگان و با انبوه چشمگیر آدمیان جبران نمایند.

مقامات بالای قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی ایران، ائمه جماعت، نهادهای انقلاب و همچنین اصناف و انجمن‌های اسلامی زیر فرمان همه قدرت تبلیغاتی و اجرائی خود را در خدمت این برنامه عظیم قرار داده‌اند و با راهپیمائی ترکیبی ۱۵ خرداد و قدس به صف آرائی چشمگیر پرداخته‌اند. حتی فرمانده سپاه گفته است ما اگر تا به حال فقط ۲٪ نیروی انسانی و ۱۲٪ سرمایه‌های اقتصادیمان را در استخدام جنگ قرار داده‌ایم (که البته به لحاظ رقم و کمیت انطباق با واقعیت ندارد) حالا می‌خواهیم ۸ میلیون را روانه کارزار نمائیم، ماشین دولت را یکسره در راه جنگ به کار اندازیم و کلیه کارخانجات دولتی و خصوصی را تبدیل به صنایع نظامی کرده تأمین‌کننده نیازهای تسلیحاتی و صادرکننده به کشورهای دوست بشویم.^۱

۲- سیاست داخلی جنگ و صلح

مقامات تصمیم گیرنده و گرداننده کماکان سرسختی خود را در برابر هرگونه میانجگری یا پیشنهاد برای صلح و توقف یا تخفیف حملات ادامه داده اولویت اول را برای جنگ قائلند و شعار جنگ جنگ تا پیروزی را تغییر نمی‌دهند. ولی در ماههای اخیر دو تغییر یا تحول محسوس رخ داده است. اولاً در مفهوم و منظور از پیروزی تعدیل و تخفیف قائل شده‌اند. اگر سابقاً می‌گفتند هدف ما تصرف کربلا، سقوط بغداد، دریافت خسارت کامل و سرنگونی حزب متجاوز بعث، مرگ صدام، استقرار جمهوری اسلامی در عراق، انقلاب اسلامی در کشورهای منطقه، آزاد کردن قدس، نابودی اسرائیل، برانداختن استکبار و امپریالیسم جهانی و بالاخره رفع فتنه از صحنه جهان است، اینک از زبان ریاست جمهوری و امام جمعه موقت تهران در خطبه جمعه ۶۴/۱۲/۱۶ اعلام شده است که ما کاری به کشورهای دیگر نداشته فقط طالب سرنگونی صدام و حزب بعث عراق هستیم. به بیان ایشان "بعد از عراق نوبت هیچکس دیگری نیست... بعد از عراق نوبت صلح و امنیت در منطقه است." ثانیاً از زبان ریاست مجلس و امام جمعه موقت تهران در خطبه هفته قبل از آن (و سپس ریاست جمهوری) اقرار شده و گفته‌اند ابرقدرتها هستند که نمی‌خواهند این جنگ تمام شود... و آنها می‌خواهند از این درگیری استفاده بکنند و از ابتدا چنین می‌خواستند.^۲ سپس اضافه کرده‌اند که آنها مایلند هیچ طرف پیروز نشود ولی ما خواهان پیروزی خودمان می‌باشیم.^۳

۳- سیاست‌های خارجی

به نظر نهضت آزادی ایران ابرقدرتها و اسرائیل مسلماً در تجهیز، تشدید، اداره جنگ دخالت و نظر

1. بدون آنکه روی عملی بودن برنامه و تدارک مواد اولیه و قطعات یدکی که در بخش خصوصی و دولتی مدتهاست دچار وقفه وحشتناک شده است توضیحی بدهد.

2. بنابر این اگر جنگ تحمیلی بوده است صلح نمی‌توانسته است تحمیلی باشد.

3. بنابراین فعلاً با هماهنگی ابرقدرتها جنگ را با نهایت شدت ادامه می‌دهیم.

داشته‌اند. دولت عراق و شخص صدام به طمع اینکه شکست قرارداد الجزائر سال ۱۹۷۵ را جبران نموده خواسته‌های سوق‌الجیشی و اقتصادی خود را تحقق بخشند و به تصور اینکه کشور همسایه آنها در اثر انقلاب اسلامی دچار ضعف و از هم پاشیدگی گشته لقمه راحتی برای بلعیدن می‌باشد و صدام می‌تواند در منطقه عربی احراز رهبری و سیادت برای خود بنماید، از سال ۱۳۵۸ مبادرت به مزاحمت و حمله‌های ابتدائی کرده تبلیغات و تحریکات انقلاب اسلامی در عراق را بهانه برای حرکت تجاوزی خود قرار دادند. در ابتدا نه عراق و نه دنیا انتظار نداشتند انقلاب اسلامی ایران، با رهبری و دولت آن، با ملت شهیدپرور آن و با ارتش از هم گسیخته و جوانان ایثارگر آن چنین مقاومت و ایمان و اراده نشان داده اثبات قدرت و اصالت نمایند چیزی نگذشت که صدام خود را ناچار دید به تقویت و تدارک نیرو پرداخته از حامیان خارجی قدیم و جدید خود استمداد نماید. به این ترتیب برای ابرقدرتها بهترین موقعیت پیش آمد تا به طور جدی و غیر مستقیم وارد صحنه گشته مهار جنگ عراق و ایران را به دست گرفته و از اهرمهای سیاسی به شرح ذیل استفاده کنند:

۱) فروش اسلحه به طرفین دعوی و به همسایگان وحشت‌زده، کرده هم نفت ما را برای صنایع و نیازهای خود ببرند و هم سودهای سرشار عاید صنایع نظامی و تولیدکنندگان خواربار و مواد اولیه و ماشین‌آلات کشورهایشان بنمایند. ۲) آمریکا اعمال نفوذ سیاسی به سود اسرائیل روی ممالک عربی کرده منطقه را متکی و مطیع خود سازد. ۳) تفاهم و نزدیکی سیاسی مابین شرق و غرب اروپا با آمریکا در مسائل خاورمیانه برقرار گردد. ۴) نیروی انسانی و نظامی و امکانات اقتصادی و جنگی مهمترین دشمنان اسرائیل یعنی ایران و عراق را از بین برده امنیت و میدان عمل آزاد برای اسرائیل ایجاد نمایند تا بتواند آن شرارتها را در لبنان انجام دهد. ۵) انقلاب اسلامی ایران را به تلافی ضرباتی که زده است و خطرانی که برای آنها ایجاد کرده سرگرم جنگ و محروم از خودکفائی و استقلال نمایند. یعنی مانع از آن شوند که به خودمان بپردازیم و موفق شدند از رسیدن ما به اهداف اصلی انقلاب جلوگیری نموده و انقلاب اسلامی را ناتوان و نیازمند و در دنیا بدنام نمایند. بدیهی است که غفلت و غرور متولیان کمک شایان به نقشه‌های ماهرانه آنها نمود.

سقوط غیر مترقبه بهای نفت که مسلماً روی ضرورت‌های کوتاه مدت و حسابهای بلند مدت اروپا و آمریکا تصمیم گرفته شده بوده است و احتمالاً ارتباط با سیاست مشترک آنها درباره جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی ایران داشته است عامل تازه ای را وارد صحنه بین‌المللی کرده ضربه‌ای را در خاورمیانه و بر روی مایه حیاتی و محور جنگی ما وارد ساخت. برخی از مطلعین پیش‌بینی می‌کردند که چرخ جنگ باید از حرکت یا لااقل از سرعت بیفتد تا مشتریان شرق و غرب یعنی عراق و ایران که به قدر کافی کشته داده و از قدرت و خطرناک بودن افتاده‌اند به طور کلی از پا نیفتند. بلکه بتوانند نفس تازه کرده تولید و توان مجدد برای بازارهای صنایع و تولیدات و خدمات آنها پیدا نمایند. چنان کچدار و مریشان نگاه دارند که مشتری آنها، و طبعاً محتاج و مطیع آنها، باشند ولی نتوانند خودکفا و خودجوش و خودساز شوند.

به طور خلاصه خاورمیانه و ایران انقلاب کرده را که می‌رفت مستقل و مزاحم و مدعی آنها بشود از طریق جنگی که به دست خودشان راه افتاده و دانسته و ندانسته، به عشق قدرت دنیا یا خدمت به خدا، به امید پیروزی سهل‌الحصول یا قریب‌الوصول، با منتهای شدت و خصومت آغاز نموده سرسختانه ادامه

می‌دادند، به جان یکدیگر انداختند تا حداکثر استفاده‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی را ببرند و مهارشان نمایند. در هر حال امیدوار بودن ما به سقوط سهل و سریع صدام و وعده‌های پیروزی قطعی و فوری، عملاً در حکم سراب و وسیله مؤثری برای اجرای برنامه ابرقدرتها و اسرائیل بوده است.

اگر ما خیلی زرنگ و با عرضه بوده باشیم توطئه ابرقدرتها را که مایلند ما زنده بمانیم ولی در اثر فرسودگی جنگ ناتوان و نیازمند آنها بوده مطیع و تابعشان باشیم، نقش بر آب نمائیم و به نجات کشورمان رسیده به پیروزی انقلاب و نظام اسلامیمان نائل شویم، راهش آیا این نیست که به استقلال واقعی یعنی خودکفائی و به سازندگی و خود جوشی بیندیشیم؟ به عوض خشونت و خصومت‌ورزی در داخل و خارج و داعیه اصلاح جهانی داشتن و به همراه آن سرمایه‌های ملی و منابع اقتصادی مملکت را تبدیل به ویرانه یا تعطیل و از کار افتاده کردن، آیا بهتر نبود به ایران و به انقلاب برگشته قبل از هر کار ملت و مملکت را متحد و مستحکم و مولد می‌ساختیم؟

ما می‌توانیم روابط خارجی را بر مبنای استقلال و احترام متقابل گذارده مبادلات عادلانه انجام دهیم و روابط داخلی‌مان را در خط خدائی آزادی و کرامت انسانی و در جهت الفت و همکاری قرار دهیم. آیا برای ایستادگی در برابر قدرتهای شیطانی بیگانه که در هر حال و به هر وسیله می‌خواهند ما و هر ضعیف را بدوشند و ببلعند و برای مصون شدن از شر آنها (به جای از بین بردنشان که از محالات سیاسی و خلقت است) و برای دفاع از حقوق و حیات خودمان، آیا منطقاً و شرعاً راهی جز هوشیاری و نیرومندی خودمان وجود دارد؟ نیرومندی نیز جز از راه مجهز و مولد شدن و مجتمع و متحد گشتن آیا امکان‌پذیر هست؟

ج) وضع اجتماعی کشور

اگر بخواهیم از وضع اجتماعی کشورمان و از افکار و روحیات عمومی تصویری ارائه دهیم شاید گویاترین تابلو همین اوضاع اقتصادی و جنگی مملکت، با دورنمای سراسر وخامت و التهاب آن، باشد! اوضاع نابسامان و ناهنجاری که مورد انکار هیچ آدم عاقل آگاه نیست. نه در نوشته‌های سابق ما بلکه در گفتارهای اخیر بعضی از مقامات و مسئولین و نمایندگان و در آمار و مصاحبه‌های رسمی اوضاع حاضر یا آینده نزدیک کشور در سه جمله "خون و خرابی و فقر" خلاصه می‌شود و بی‌پروا همانها را وعده می‌دهند!

آیا توسعه بیکاری یا مفاسد مربوطه، فساد اداری یا کم‌کاری و رشوه‌گیریهای کلان، یأس و ناامیدی و بی‌تفاوتی مردم که ناراحتی‌های روانی را به همراه آورده است، گرانی شدید و قحطی نزدیک با تنگناهای زندگی که بیش از همه روی طبقات کارمند و مستضعف فشار می‌آورد و گریبانگیر اکثریت ملت می‌باشد واقعیات قابل انکارند؟

آیا افراد زیادی در همه طبقات دیده نمی‌شوند که از قدیم مسلمان مؤمن و مقدس بوده یا در دوران مبارزات گرایش صادقانه نسبت به اسلام و انقلاب پیدا کرده بودند و حالا از انقلاب و نظام و از مسلمانی و اسلام برگشته بسیاری از آنها شدیداً ابراز ندامت و انزجار دارند؟

آیا در میان نهادها، در طبقات موسوم به مستضعف و مورد حمایت و در درون دستگاه حاکم تردیدها

و بازگشت و تزلزل‌های فراوان حاصل نشده است؟

آیا با وجود تبلیغات یک جانبه و صحنه‌سازی‌های ماهرانه توجه مردم به مساجد و محافل و تجمع آنها در راهپیمائی‌ها و اجتماعات یا حرف شنوائیشان از اوامر امام و مشارکتشان در رأی دادن‌ها و غیره سال به سال دچار نکث و نقضان آشکار نشده است؟ همه اینها دلالت بر چه چیز دارد؟

البته ارادت و اطاعت متولیان و گردانندگان و نهادها (یا تظاهر به آن) نسبت به امام هنوز قوی بوده تا حدودی جبران تضادهای داخلی و نقطه ضعف‌ها را می‌نماید و عامل مؤثر در ادامه و انسجام سیستم می‌باشد اما تا کی و تا چه حد؟ آیا غیر از خدا هیچ موجودی هوالحی القیوم می‌تواند باشد و غیر از او کسی را داریم که همیشه بیدار و هوشیار و دانای علی‌الاطلاق باشد؟ آیا بالاخره ملت و دولت ایران نباید متکی به خدا و خودشان و اداره کننده امورشان باشند؟

آیا هفت سال تفرقه و تخریب و تخاصم که تحت عنوان انقلاب و اسلام اجرا گردیده است و جمع کثیری از مردم ایران شاهد و نگران آثار آن شده و خود را بر لبه پرتگاه جنگ و جهنم می‌بینند ما را حسرت زده وحدت و وضعی که در آستانه پیروزی انقلاب داشتیم نمی‌نماید و نباید به این آیات قرآن که زبان حال آن زمان و دستورالعمل و رمز پیروزیمان بود برگردیم؟

واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا وانكروا نعمه الله عليكم اذا كنتم اعداء فالف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخوانا و كنتم على شفا حفرة من النار فانفذكم منها و كذلك بين الله لكم آياته لعلكم تهتدون¹

چرا چنین شده‌ایم؟

آیا خارجی‌ها باعث این بحران‌ها و بیچارگی‌ها شدند؟ آیا خود ما و گردانندگان امور سهمی و تقصیری یا لااقل تأثیری در ماجرا نداشتیم؟ آیا مسئولیتی نداریم؟ ما چون در این نشریه در صدد انتقاد نیستیم کسی را محکوم نمائیم جواب پرسش‌های فوق را به صورت اثباتی و استدلالی نمی‌دهیم. قضیه را از زاویه منفی نگاه کرده یک سلسله اگرهائی را نسبت به آنچه تحقق نیافته است مطرح می‌سازیم:

۱- اگر بعد از پیروزی انقلاب صادقانه و عادلانه بر طبق خواسته‌های ملت و شعارهای انقلاب با یک برنامه منظم عمل می‌شد و انقلاب به سوی انتقام در داخل و انبساط به خارج انحراف نمی‌یافت آیا اوضاع به صورت فعلی درمی‌آمد؟ و آیا انقلاب کرده بودیم که چنین بشویم؟

۲- اگر با وفاداری به خواسته‌ها و وعده‌های پیش از پیروزی انقلاب، در کشورمان آزادی و حاکمیت ملی شورائی برطبق قرآن و قانون اساسی برقرار می‌گشت و اختناق و انحصار و حاکمیت روحانی تحمیل نمی‌شد آیا به این اندازه ضد انقلاب و مشکل و مدعی پیدا می‌کردیم؟ آیا علاقه‌مندان و ارزشمندان و

1. آل عمران/ ۱۰۳- و مجتمعاً یعنی با هم به ریسمان الهی چنگ زده متفرق نشوید و نعمت خدا بر خودتان را به یاد آورید، آن زمان که دشمنان یکدیگر بودید و میانتان الفت و دوستی قرار داده در سایه نعمت او برادران یکدیگر شدید و بر لبه پرتگاهی از آتش بودید و شما را (خدا) از آنجا دور کرد و این چنین خداوند نشانه‌ها و رهنمودهای خود را برای شما بیان می‌کند. به این امید که هدایت شده راه خویش را پیدا کنید.

دانشمندان مملکت گریزان یا خانه‌نشین می‌شدند؟ آیا نابسامانی‌ها و آزار و گرفتاری‌ها به حدی می‌رسید که اکثریت مردم در غالب طبقات ناراحت و ناراضی و مستأصل گردیده از انقلاب و از عمل خود پشیمان باشند و بدبین نسبت به خدا و دین شوند؟

۳- اگر گروگانگیری انجام نشده اکتفا به قطع رابطه با آمریکا و اخراج دیپلمات‌ها می‌کردیم آیا همسایگان و ابرقدرتها در قسمت عمده‌ای از دنیا علیه ما متحد می‌گشتند؟ آیا مصائب جنگ و این همه مکافات را برای خود فراهم می‌کردیم؟

۴- در گروگان‌گیری آیا کلاه بزرگی به سرمان نرفت؟ چه ادعاها داشتیم و تن به چه موافقتنامه‌ای دادیم! در آزاد کردن گروگان‌ها که بالاخره با دست خالی تن به آن دادیم اگر تغلل نمی‌شد و از فرصت مساعد و شرایط تعهدی کارتر استفاده به عمل می‌آمد، آیا کار منجر به روی کار آمدن بدتر از کارتر و امضای موافقتنامه الجزائر که بی‌شبهت به معاهده ترکمان چای نیست و به از دست دادن میلیاردها دلار موجودی و مطالبات و دعاویمان و پرداخت غرامات اضافی می‌گشت؟...

۵- اگر در مملکت آزادی عقیده و قلم و اجتماعات و انتخابات آن طور که در قانون اساسی آمده است وجود می‌داشت و یک طبقه انحصارگر میدان‌دار سیاست و تصمیم‌گیرندگان صاحب اختیار نمی‌شدند و مردم می‌توانستند در مسائل کشور از طریق احزاب و مطبوعات آزاد روشن شده نظر بدهند و از طریق نمایندگان واقعی مشاورت و دخالت نمایند و به جای حاکمیت یک طبقه حاکمیت ملی تحقق می‌یافت آیا جنگ به صورت تهاجمی و ویرانی در می‌آمد تا هست و نیست ما را ببعد و آخرت و دنیایمان را به هلاکت بکشاند؟...

۶- اگر قانون اساسی که تغییر یافته خودشان و تصویب شده اکثریت قاطع ملت است و آن را مقارن یا معادل اسلام اعلام کرده‌اند، صادقانه اجرا می‌گردید و به آن احترام گذاشته قوای سه گانه تقنینی، قضائی و اجرائی، با حفظ استقلال و آزادی و تعهد، مجریان آن می‌شدند آیا مجلس نقش مؤثر و مسئول خود و پشتیبانی ملت را از دست می‌داد؟ آیا قوه قضائیه که می‌بایستی نگهبان قانون باشد با بی‌عدالتی‌ها و بخشنامه‌های خلق‌الساعه از بین برنده حقوق و قانون می‌شد؟ آیا قوه مجریه از حیثیت و قدرت می‌افتاد؟

۷- اگر بر مبنای آزادمندی و رسم هم‌وطنی و هم‌کیشی و بر طبق قانون اساسی با افراد و گروه‌های وفادار به انقلاب و نظام عمل می‌شد آیا جامعه تا این حد دچار تفرقه و بدخواهی و گسیختگی می‌گردید؟

۸- اگر از ابتدا بر طبق شعار اصلی انقلاب برنامه‌ها در جهت استقلال و سازندگی و خودکفائی می‌رفت و حکومت واقعاً اسلامی (نه اسلام حکومتی با حاکمیت روحانی) می‌داشتیم آیا اوضاع معنوی، اقتصادی و اجتماعی به صورتی که اینک شاهد آن هستیم درآمده این چنین مفلس و سرگردان و مأیوس می‌شدیم و ملت در لبه پرتگاه آتش قرار می‌گرفت؟...

چه خواهیم شد؟

مقامات معتقدند و در تبلیغات رسمی چنین وانمود می‌شود که عیب و اشکال عمده و وخامتی در کشور وجود ندارد و هیچ‌طور نخواهیم شد. جز آنکه انقلاب و نظام استقرار و استیلای بیشتر یافته است و ملت شهیدپرور گوش به فرمان باک از شدت و وسعت بحران‌ها نداشته با سربلندی و نیرومندی تحمل هر

محرومیت و سختی راه، برای پیروزی تا سر حد نابودی می‌نماید. اسلام را در دنیا برقرار خواهیم کرد، مستضعفین جهان را نجات و حاکمیت خواهیم داد و شعله‌های طغیان و انقلاب علیه مستکبرین هر دم فروزان‌تر و عالم‌گیر خواهد شد.

ما نمی‌خواهیم و نمی‌توانیم این اظهارات و ادعاها را، که خودشان هم دیگر با اطمینان و استحکام سابق به زبان نمی‌آورند، با رقم و مدرک رد کنیم. چون اطلاعات و تبلیغات انحصاری بوده نمی‌خواهند غیر از آنچه آنها می‌خواهند چیزی گفته شود یا آمارگیری و آراءگیری به عمل آید. بنابراین جواب پرسش فوق را به صورت حالات و احتمالات مختلف و متصور ارائه می‌نمائیم تا هموطنان محترم و خوانندگان عزیز و خود مقامات هر طور که صحیح می‌یابند اتخاذ نظر کنند. ولی نمی‌توانیم از ابراز نگرانی نیز خودداری کرده نگوئیم که در صورت ادامه جریانها و عدم تغییر اوضاع و تصمیمات مصیبت‌عامتر و لاعلاجتر خواهد گشت.

وجود امام همان طور که در بررسی وضع اجتماعی اشاره کردیم، فعلاً نقش حافظ و ناظم را ایفا کرده جلوی آشفته‌گی‌ها و سردرگمی‌ها را گرفته است ولی این حالت و کیفیت تا کی و تا چه حد خواهد بود؟ بعلاوه حفاظت و ممانعت ایشان آیا می‌تواند جلوی سنت‌های خلقت در شکست و هلاکت را بگیرد؟ بنابراین می‌پردازیم به ارائه و بحث مختصر روی حالات و اجتماعات متصور در هر یک خطرات و امکانات.

الف) بحران اقتصادی

در بحث "کجا هستیم و چگونه‌ایم" دیدیم که اقتصاد کشورمان در اثر جنگ بی‌پایان، سقوط فاحش قیمت نفت و نارسائی‌های شدید مدیریت و تولید، به وخامت وحشتناک و بن‌بست غیر قابل انکار رسیده است. همه چیز خبر از توقف و تعطیل و قحطی عمومی یا شورش و انفجار می‌دهد و در هر حال سه احتمال وجود دارد:

الف - ۱) با بسیج عامی که فرمان داده‌اند پیروزی ما در جنگ قطعی و نهایی و فوری صورت پذیرفته دوران رکود و سختی نیز بیش از آنکه آثارش محسوس و مؤثر شود، سپری گردد.

الف - ۲) نظر به اینکه اولاً ملت شهیدپرور برای نان و رفاه یا آزادی و عدالت انقلاب نکرده است، ثانیاً شعب علی‌ابن ابیطالب الگوی او بوده تحمل بی‌نهایت دارد مسائل و بحرانهای اقتصادی برای او اهمیت نداشته تا پیروزی کامل پایداری خواهد نمود و ثالثاً پس از پیروزی بر عراق تولیدات و کارها به جای خود برخواهند گشت.

الف - ۳) با تولید داخلی و منابع صادراتی چاره جبران بحران به عمل آمده انقلاب و مردمان بارورتر و برومندتر از اول خواهند شد.

حالت الف - ۱) که خدا کند درست درآید. بنا به تجربیات گذشته، با توجه به کمکهایی که حریف دریافت می‌دارد که از آن جمله است نزدیک شدن سوریه به عراق و راه افتادن نفت عراق از آن طریق و همچنین جریانهای عمومی سیاست جهانی بسیار مفید به نظر می‌آید که تحقق پیدا کند و کمتر ممکن است آدم عاقل همه هست و نیست خود را این چنین به خطر بیندازد.

حالت الف - ۲) علاوه بر آن که فرض ابتدایی آن صحیح نبوده مقایسه انقلاب اسلامی ایران (که هدف آن آزادی - استقلال و حکومت اسلامی با عدالت و برکت بوده است) با رسالت حضرت خاتم الانبیاء (که همچون سایر پیامبران برای دعوت و حرکت انسانها به سوی خدا و آخرت بوده است) قیاس مع الفارق می‌باشد. فرض دوم نیز یعنی تحمل بی‌نهایت قاطبه مردم با واقعیت تطبیق نکرده و خلاف آن ظاهر شده است. مضافاً به اینکه وقتی امکانات و ضروریات لازم برای حرکت و حیات از دست یک ملت گرفته شد و همه چرخها از کار افتاد، عامل شور و تحمل چه می‌تواند بکند؟ در دنیای صنعتی و متمدن امروزی، که زندگی روزمره ما نیز خواه ناخواه به همان صورت درآمدی است، جریانها و امور جهان پیوسته و وابسته به یکدیگرند که وقتی یک جزء یا عضو از کار بیفتد تمام ماشین می‌خوابد. دویست سیصد سال پیش که شهرها و روستاها و حتی خانواده‌ها با منابع زراعتی و فعالیتهای دستی و مدیریت انفرادی حالت تقریباً مستقل و خودکفا و مجزا داشتند و هر قسمتی می‌توانست تا مدتی روی پای خود ایستاده مانند قلعه‌های جنگی تحمل محاصره را بنماید، آسیب‌پذیری و فروپاشی مانند امروزه نبود. زندگی اجتماعی و ماشینی انسان را به شدت اسیر تمدن و تولیدات خود کرده برخلاف جوامع انفرادی و بدوی با استقبال از قحطی و یا انتحار اقتصادی تا توقف و انجماد جریانهای حیاتی کشور (مانند خوراک، پوشاک، درمان و درآمد یا انرژی، ارتباطات، صنعت و مدیریت) دوام بیاوریم و از عهده اتمام جنگی برآئیم که هفت سال است توانسته‌ایم با همه ایمان و اراده و ایثار و به کار انداختن نیروها مهارش بنمائیم. به نظر می‌آید چیزی جز یک تصور باطل و خیال‌واهی نباشد! وضع بسیار وخیمتر از آن است که تبلیغ یا تصور می‌نمایند!

این مطلب صحیح است و تاریخ نظائر زیادی نشان می‌دهد که شهری یا پایتختی به محاصره افتاده تحمل محرومیت‌ها و سختی‌های جانفرسا را بر خود هموار کرده‌اند. آنچه آذوقه و حیوانات زنده داشته‌اند خورده به حال زار و نزار افتاده معذک تسلیم دشمن نشده‌اند. ولی فرق مسئله در این است که آنها در معرض تجاوز بوده یگانه راهشان از نظر شرعی و ملی و انسانی دفاع و فداکاری و شهادت بوده است. ولی ملت ایران پس از تخلیه و پیروزی خرمشهر چنین وضعی را نداشته شرعاً و قانوناً و مصلحه ملزم به استقبال از بیچارگی و مرگ نبوده است. راه‌حلهائی عاقلانه و خدایسندانه و پیروزمندانه‌تر داشته است و دارد.

تازه پس از پیروزی و با فرض سوم یعنی سرنگونی و سقوط صدام و حزب بعث مگر به راه انداختن مجدد ماشین‌های اقتصادی خوابیده و خراب دو کشور و جابگوئی به نیازها و مسائل معاشی و اداری دو ملت غالب و مغلوب، کار آسانی است؟ مسئله و مصیبت آیا به همین سهولت خاتمه یافته همسایگان و ابرقدرتها ما را به حال خود رها خواهند کرد، و جنگ و مقاومتی خیلی شدید و جانفرساتر در انتظارمان خواهد بود؟

* * *

حالت الف - ۳) که در مصاحبه‌ها و تبلیغات روی آن تکیه می‌شود، برای دلخوشی مردم و سرگرمی خودشان خوب است ولی وعده و برنامه تازه‌ای نیست. اگر در ظرف چند سال بعد از استعفای دولت موقت که می‌گویند کارها و جریانها حالت عادی و فعال زنده داشته و راه برای تحرک و تولید باز بوده است، کاری از پیش نبرده‌ایم و به طور متوسط و مستمر شاهد کاهش خودکفائی و سازندگی بوده‌ایم، حال چگونه ممکن است در شرایط بحرانی حاد فعلی یا بعد از این و با بسیج عام و اختصاص یافتن همه سرمایه‌ها و نیروها به جنگ، تولیدات و صادرات سرشار احیا کننده‌ای امکان‌پذیر باشد؟ مگر آنکه معجزی

رخ داده دنیا دگرگون شود و خدا چاره ساز امرمان گردد.

اما در منطق اسلام و قرآن، ما چه عدالت و تقوایی در اعمال و رفتارمان با دوست و دشمن به خرج داده‌ایم که انتظار وعده الهی و من یتق الله يجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب^۱ را داشته باشیم؟

ب) بحران جنگ

رهبری انقلاب و متولیان نظام، با وقوف به بحران حاد اقتصاد و جنگ و با احساس اینکه کفگیرها به ته دیگ خورده است همانطور که در بحث "ب" جنگ و جبهه‌ها^۲ اشاره شد از یک طرف برنامه و بارها را سبک کرده‌اند و از طرف دیگر دست به خطرناک‌ترین اقدام بعد از آغاز جنگ زده متوسل به آخرین تیر در ترکش شده‌اند و خدا می‌داند برای چندمین بار وعده قطعی پیروزی نزدیک و نهایی را داده‌اند.

برنامه‌ای که آن را سبک کرده به حداقل رسانده و حتی حرفی هم از غرامت گرفتن زده‌اند قبلاً گفتیم که از زبان آقای رئیس جمهور اعلام گردیده اکتفا به سقوط صدام و حزب بعث کرده‌اند. برای تحقق قطعی و نهایی پیروزی نیز دست به خطرناک‌ترین اقدام زده فتوی و فرمان بسیج کلی عام صادر کرده‌اند.

در گذشته نیز نظیر این وعده‌ها و وظیفه‌ها داده می‌شد. اما چنین قاطعیت را نداشته تصمیم‌گیری روی ناچاری و دست پاچگی یا عصبانیت نبوده آخرین برگ برنده و کل موجودی کشور را به میدان نیاورده بودند. بر لبه "وحشتناک همه یا هیچ" و انتخاب "پیروزی یا نابودی" نبودیم.

بعد از تخلیه خرمشهر و فرار صدامیان حمله به بصره را داشتیم و دعوت از عراقی‌ها برای استقبال از قشون ظفرمند اسلام و الفجرهای یک و دو تا نهم را داشتیم که هر یک از آنها می‌بایستی برطرف کننده شبهای ظلمت و ظلم و برقرار کننده پرچم‌های پیروزی ما و سرنگونی صدام و ابرقدرتها باشد. مجنون را گرفتیم که مژده انسداد راه‌های حرکت و رگ‌های حیات حریف را می‌داد. با یک دنیا شهادت و شهادت در فاو پیاده شده گلوی صدام و حامیانش را در چنگال گرفته تن به تلفات فوق‌العاده دادیم، اخیراً فکه و مهران و حاجی عمران صحنه خونین‌ترین برد و باخت‌های مرگ و زندگی شده است... ولی باز هم نهضت ادامه دارد. انگار هنوز سر جای اول هستیم و این قافله سر دراز دارد.

اینکه، بدون آنکه در صدد باشیم کارآیی برنامه‌های فوق‌الذکر را رد یا اثبات نماییم، به ارائه احتمالات جنگی آینده می‌پردازیم. احتمالاتی که کما بیش منطبق با حالات اقتصادی بند قبلی می‌باشد:

ب - ۱) پایان جنگ از طریق نظامی و پیروزی نهایی.

ب - ۲) ادامه جنگ در اثر پیروزی نسبی و پیشروی اضافی در خاک عراق.

ب - ۳) ادامه جنگ در اثر پیروزی عراق و پیشروی در خاک ایران.

ب - ۴) شکست ایران.

ب - ۵) پایان عادلانه و شرافتمندانه جنگ از روی واقع‌بینی و دوراندیشی.

حالت ب - ۱) آرزوی ما و هر ایرانی است اگر چه با حضور عوامل و جریانهای داخل و خارج، با توجه

1. طلاق ۲- و هرکس تقوای خدا را پیشه کند برای او (خدا) راه خروج (و نجات) فراهم خواهد کرد و او را از جایی به گونه‌ای که گمان نمی‌برد روزی و رمق خواهد داد.

به تجربیات گذشته و با تفاوت‌های مثبت و منفی این بار احتمال آن ضعیف بوده محال به نظر می‌آید. ولی به فرض که انشاءالله چنین شود، تازه به کجا رسیده‌ایم؟ حساب هفت ساله را که بکنیم خواهیم گفت موفق شده‌ایم یک جانی متجاوز بدسرشتی را نابود کرده به کیفر برسانیم و دست یاران سیاسی او را از حکومت عراق برکنار نموده‌ایم، ضمن آنکه حامیان خارجی صدام را سرشکسته و خوار کرده‌ایم! اما در عوض چه داده‌ایم؟ صدها هزار نفر از ارزنده‌ترین مردم مسلمان مجاهد ایران را به کشتن داده‌ایم و به همین اندازه یا بیشتر از مردم مسلمان و غیرمسلمان بی‌گناه یا مجبور شده عراق کشته شده‌اند. چقدر خرابی و خسارت به بار آمده است، که به فرض جبران‌پذیر بودن، قرن‌ها و نسل‌ها باید صرف وقت و قبول محرومیت و تلاش شود... آیا کیفر و انتقام از یک یا چند نفر و اثبات اینکه هرچه خواسته‌اند و گفته‌اند شده است و باید بشود، عقلاً و شرعاً و عملاً ارزش این همه خون و خرابی و فقر را داشته است؟ خدایی که دفاع و دوام را واجب کرده و تعدی و تلافی را منع نموده است و ضمناً حساب و عذاب مجرمین را خود به عهده گرفته موکول به آن دنیا نموده است آیا رضا به چنین رفتار می‌دهد؟ ملت معاصر و آینده ایران چه قضاوت خواهد کرد؟ تاریخ چه خواهد نوشت؟ تبعات و آثار و آینده مملکت و انقلاب و منطقه و مردم عراق چه خواهد بود؟... آن طور که آقای رئیس مجلس در خطبه نماز جمعه مورخ ۶۵/۲/۱۳ گفته‌اند آیا ملت و دولت مغلوب عراق دست و محبت به دولت غالب ایران داده همسایگان از ما استقبال و با ما اتحاد کرده دست جمعی منطقه را از شر ابرقدرتها و دنیا را از بلای اسرائیل و امپریالیسم پاک خواهیم کرد!؟

آنچه محقق است و شاید بیشتر به خاطر آن این بسیج و بساط راه انداخته شده و از هم اکنون به نتیجه رسیده است حضور و حاکمیت سپاه به بهانه جنگ، در همه نهادها و ادارات می‌باشد و قبضه کردن قشرهای ملت و قدرت دولت برای فعال مایشاء شده جناحی از حاکمیت، در حیات و حضور یا در غیاب و بعد از مقام رهبری.

حالت ب - ۲) که پیشروی در خاک عراق و پیروزی نسبی با چند کیلومتر پس زدن نیروی عراق و گرفتن یکی دو شهر و سه چهار تا روستا و شهر، به بهای ضایعات و تلفات سنگین‌تر از گذشته می‌باشد به نظر می‌آید از سایر احتمالات واقع‌شدنی‌تر بوده مجدداً به جنگ فرسایشی برگردیم. در هر حال وعده قطعی یک سره شدن جنگ در سال جاری و حل شدن مسئله در جبهه‌ها بار دیگر نکول گردد و متولیان و دست اندرکاران چند صباحی به حاکمیت خود و وعده و وعیدها ادامه دهند.

اما آیا داستان به همین جا پایان پیدا خواهد کرد و جریانها به وضع گذشته برمی‌گردد؟ مسلماً خیر. جنگ وقتی همراه با تلفات عزیزان و انواع ضرر و زیان ادامه پیدا کند خستگی و تأثر و عصیان ممکن است چند برابر گشته مقدمه آشفتگی‌ها و منشاء درگیری‌های فراوان بشود. عصبانیت‌ها و خشونت‌های اجتماعی همیشه دیرتر از موارد انفرادی و خصوصی ابراز می‌شود. خصوصاً اگر ترس از مزاحمت و خطرات سیاسی و پلیسی ایجاد عقده و اختناق نموده باشد. ولی همین که از گوشه‌ای و بهانه‌ای سر و صدا راه بیفتد سیل خروشان راه خواهد افتاد که جلوگیری از آن دشوار بوده به کار بردن خشونت بر شدت آن خواهد افزود.

حالت ب - ۳) چنانچه قدرت روحی و قدرت نظامی ما اجازه ندهند به پیروزی نسبی و پیشروی برسیم احتمال بعدی ادامه جنگ با برتری و پیروزی عراق خواهد بود. یا حداقل ناچار به قبول حالت نه جنگ نه

صلح ممکن است بشویم. در هر دو صورت با توجه به شرایط بحرانی اقتصادی و اجتماعی داخل کشور که در جهت وخامت سیر می‌نماید و موضع نظامی و سیاسی مناسب‌تری که به سود عراق عمل می‌نماید تحمل و تداوم این حالات می‌تواند فاجعه‌انگیز باشد و به صلح واقعاً تمحیلی صد بار بدتر از پایان گروگان‌گیری بیانجامد.

در جامعه بعد از انقلاب ما البته اعتراض و اختلاف و میل به انتقام زیاد شده است، نه تنها در بین بسیاری از مردم که ناراحت و ناراضی هستند و پریشانی و پشیمانی پیدا کرده‌اند بلکه در میان جناح‌های حاکم یا روحانیت و حزب الهی‌ها که علاوه بر تضاد و تخاصم سلاح و وسایل در اختیار دارند و از طرف دیگر ضدانقلابی‌ها را باید به حساب آورد که در انتظار فرصت نشسته مواضعی را اتخاذ کرده‌اند و همچنین سیاست‌های بیگانه که برای خودشان حسابها دارند و در موقع مقتضی وارد میدان خواهند شد. خدا کند که در زمان حیات امام مشکلات کنونی به نحو عقلانی حل شود و پس از ایشان ایران عزیز ما تبدیل به لبنان و بدتر از آن نگردد.

نباید تصور کرد کلیه رزمندگانی که با لبیک اجابت به امام ایثارگری و دلاوری می‌نمایند پس از ایشان نیز اطاعت و شهادت را ادامه خواهند داد، بلکه بیم آن می‌رود که جبهه‌ها خالی و فاقد قدرت گشته امکان پیروزی یا مقاومت به مراتب ضعیف‌تر گردد و ملت ایران شاهد تفرقه و خونریزیهای وحشتناک گردد. حالت ب - ۴) بزرگترین مصیبت است. خدا چنین روزی را نیاورد انشاءالله که عملکرد گذشته تصمیم گیرندگان و غفلت و غرور آنان کار را به چنین جاهائی که برگردان شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" به شعار "جنگ جنگ تا نابودی" است نکشاند.

فکر اینکه اگر جریان جنگ معکوس گشته صدام به استانهای غرب و جنوب ما سرازیر شود و شرایط و جرائم جاسوزی را بر ما تحمیل نماید پشت انسان را به لرزه درمی‌آورد. یقیناً ملت غیرتمند و ایثارگران شهادت پیشه ما نخواهند گذاشت چنین روزهای ذلت پیش آید.

در وضع دفاع از حیات و حیثیت و میهن و آئینمان قرار خواهیم گرفت. شهادت و جانبازی و وحدت عمومی بر همگان فرض خواهد شد. اما آیا باید بگذارند و بخواهند که کار به آنجا بکشد؟ یا رفتارها و کردارها خدای ناخواسته چنان است و انزجار ایجاد کرده باشد که خلق زیادی به استقبال بیگانه تازه وارد یا دشمن اخراج شده بروند؟

ما در نشریات گذشته توضیح داده و توصیه کرده‌ایم که تا در موضع دفاع مشروع واجب و حقانیت ملی و بین‌المللی قرار داریم و تا به لحاظ پیشروی و نیرومندی دست بالا را داریم، خواهان پایان عادلانه و شرافتمندانه جنگ باشیم و پذیرای درخواست یا پیشنهادهای مطمئن و معقول و قابل قبول برای صلح بشویم. در حقیقت ما تحمیل کننده شرایطی گردیم که هم تأمین غرامت و دریافت خسارت‌های وارده را بنمایند و هم ایجاد امنیت و اطمینان برای جلوگیری از نیرنگ و تجدید تجاوز بکنند.

آیا هیچ فردی و هیچ امت یا ملت حق دارد مغرور به خود و به خدا بشود؟ آیا تاریخ موارد زیادی را نشان نمی‌دهد که پیروزمندان و پیشروندگان وقتی مغرور شده روحیه و امکاناتشان ضعیف گشته، خصم با تصمیم و امداد به حملات تلافی‌جویانه برداشته چنان شیرازه کارها از دستشان در رفته است که مجال به خود آمدن و نیفتادن در دره نابودی را نداشته‌اند؟

ما از فرض چنین مورد و طرح این احتمال اکراه داریم ولی آیا خوش‌آیند و بدآیند انسانها واقعیت جریانها، قانونمندی طبیعت و ناموس خلقت را تغییر می‌دهد و نباید پیش‌بینی هر پیش‌آمد را هر قدر ناگوار باشد کرد؟

سرچشمه شاید که بستن به بیل چو پر شد نشاید گذشتن به پیل

ب - ۵) وقتی است که تصمیم گیرندگان واقع بینی و خردمندی به خرج داده تا غرق نشده‌ایم چاره اندیشند، دست از لجاجت و غفلت و از شعار و افتخار یا از انتحار بردارند.

اگر تصمیم‌گیرندگان ما از این به بعد واقع‌بینی و مصلحت‌اندیشی را گزیده، دریافته باشند که راه بینهایت دوری را جلوی پای خود و ملت گذارده‌اند، تا به حال به آنجا که می‌خواستند نرسیده‌ایم و معلوم نیست برسیم و پذیرفته باشند که داعیه‌های بلند و بالای گذشته برای سرنگونی فوری کفر و استکبار در جهان و رفع فتنه از عالم برتر از وظیفه اسلامی و طاقت انسانی بوده مخالف مشیت الهی است، در این صورت امید نجات و فلاح یا رستگاری و پیروزی به خواست خدا پیدا خواهد شد. با دریافت و اذعان به این حقیقت از طرف متولیان و تصمیم به چاره‌اندیشی و خامت، نیمی از مسئله و مصیبت حل خواهد گشت. پس از آن امید می‌رود که با حسن نیت با قبول مسئولیت و بذل همت و وحدت و فداکاری در خطی قرار بگیریم که پایانش انشاءالله سلامت و سعادت باشد.

آیا چنین احتمال و امکان هست؟ ما نا امید نیستیم نشانه‌هائی در بیانات و اقدامات بعضی از آقایان ظاهر شده است هم اعلام واقعیات و اطلاعاتی سوای آنچه را که قبلاً خواسته و گفته می‌شد می‌نمایند، هم اعترافهای ضمنی به مشکلات و موانع نموده در رجزخوانیها تخفیف داده‌اند و هم جسته و گریخته راه برای چاره اندیشی‌ها و ختم فاجعه باز می‌نمایند شاید از همدیگر و از رهبری ملاحظه می‌کنند... امیدواریم همان طور که امیر مؤمنان، مولای متقیان و اشجع شجاعان می‌فرمود به زودی بگویند عرفت الله بفسخ العزائم^۱.

موضوع مهمی که می‌ماند حوادث بعد از جنگ و اثرات آن روی تداوم قدرت و تسلط مدیریت است. تا به حال جنگ تحمیلی برای گردانندگان ما عامل حیاتی و وسیله انحصار و اقتدار بوده است ولی با تحولی که پیش می‌آید و ناچار باید تن به آن داده شود لازم است برای انطباق با شرایط جدید و برای دوران انشاءالله سازندگی و حاکمیت الهی و ملی فکری شود.

جمع‌بندی تجزیه و تحلیل‌ها و هشدارها که نهضت آزادی ایران به مقام رهبری انقلاب، به مسئولین محترم جمهوری اسلامی ایران و به ملت عزیز ایران می‌دهد به شرح ذیل خلاصه می‌شود:

- وخامت اوضاع و بحران حاضر آنطور که از بودجه دولت و از واقعیات و جریان‌های کشور برمی‌آید جدی بوده در اثر غفلت و غرور ممکن است به فجایع غیر قابل تحمل و جبران ناپذیر بیانجامد.
- عامل دست اول بحران، جنگ تحمیلی است و خروج از بن بست بدون پایان صحیح و سریع جنگ امکان‌پذیر نمی‌باشد.

- ابرقدرتها به خاطر سلطه سیاسی و منافع اقتصادی خودشان و تضعیف انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران تداوم جنگ را همواره دامن زده‌اند. اسرائیل نیز از اینکه دو نیروی مزاحم و مهم منطقه

1. خداوند را با فسخ عزیمت‌ها و برگشت از تصمیمها شناختم

فرسوده و ناتوان شده‌اند سود فراوان برده است.

- در اوضاعی که دامنگیرمان شده است مسلماً خود ما بی‌تقصیر نیستیم. در صوت وفاداری به اهداف و عهدهای اصلی انقلاب چنین گرفتاری‌هایی را نمی‌داشتیم و خلاصی از فاجعه باید با توسل به خدا و به دست و اندیشه و اتحاد خودمان صورت گیرد.

- برای آینده کشورمان پنج حالت قابل احتمال است:

حالت مطلوب و مورد نظر که عرضه شده است پیروزی قطعی و فوری از طریق نظامی ولی بسیار مشکل و بعید به نظر می‌آید. حد وسط ادامه جنگ است با پس و پیش رفتن مواضع طرفین که در هر صورت بحران را شدیدتر و مصیبت بارتر خواهد کرد.

بدترین احتمال پیروزی حریف و صلح ننگین احتمالی است که خدا نخواهد و باید از هم اکنون به رفع و جلوگیری آن قیام نمائیم.

بالاخره چاره‌جویی کامل جز با واقع‌بینی تصمیم‌گیرندگان و بازگشت به خدا و ملت قابل تصور نیست. فعلاً از خداوند رحمن نجات کشور و سعادت ملت ایران در راه خدمت به انسانیت و تقرب به خدا را مسئلت نموده امیدواریم سلامتی و فرصت برای بحث بیشتر در نشریات بعدی نصیبمان گردد.

ربنا آتنا من لدنک رحمه و هیئتی لنا من امرنا رشدا

نهضت آزادی ایران

اول تیرماه ۱۳۶۵

عنوان	سال ۱۳۶۳			سال ۱۳۶۴			سال ۱۳۶۵		
	قانون بودجه	عملکرد	درصد عدم تحقق	قانون بودجه	ارزیابی عملکرد	درصد عدم تحقق	قانون بودجه	پیش‌بینی عملکرد	درصد عدم تحقق
۱- درآمدها (به میلیون ریال)	۲۳۵۰/۰	۲۶۴۵/۲	٪۲۱	۳۵۲۰/۵	۲۶۵۹/۸	٪۲۴	۳۳۹۹/۰	۱۹۰۰/۰	٪۴۴
نفت	۱۸۰۰/۰	۱۲۸۲/۲	٪۲۹	۱۸۶۷/۰	۱۱۵۷/۱	٪۳۸	۱۴۹۰/۰	۱۵۴۰/۰ ^۱	٪۶۴
سایر درآمدها	۱۵۵۵/۹	۱۳۶۳/۰	٪۱۳	۱۶۵۲/۵	۱۵۰۲/۷	٪۹	۱۹۰۹/۰	۱۳۶۰/۰	٪۲۹
۲- هزینه‌ها	۳۸۷۰/۶	۳۳۷۷/۸	٪۱۳	۲۸۷۴/۹	۳۳۵۰/۷	٪۱۴	۳۸۸۹/۰	۲۹۰۰/۰	٪۲۵
جاری	۲۶۸۴/۱	۲۴۹۴/۸	٪۷	۲۷۳۹/۱	۲۵۷۱/۹	٪۶	۲۶۵۹/۷	۲۴۵۰/۰ ^۲	٪۸
عمرانی	۱۱۸۶/۴	۸۸۷/۰	۰/۲۶	۱۱۳۵/۸	۷۷۸/۸	٪۳۲	۱۲۲۹/۳	۴۵۰/۰ ^۳	٪۶۴
کسری	۵۱۴/۷	۷۲۲/۶		۳۵۴/۴	۶۹۰/۹		۴۹۰/۰	۱۰۰۰/۰	

۱) بطور متوسط: ۱/۶ میلیون بشکه در روز و از قرار بشکه‌ای ۱۲ دلار (فروش)

۲) افزایش هزینه‌های جنگ احتمالی پیش‌بینی نشده است.

۳) این حجم از اعتبار و عملیات عمرانی به هیچ وجه برنامه‌ریزی شده و قابل تأیید نیست و صرفاً بر اساس پیش‌بینی روندهای موجود می‌باشد.

+ پیش‌بینی

توضیح: ارقام قطعی جدول از نشریات مرکز آمار ایران اخذ شده است.